

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

شعار خدمتگزاری

شنو این نکته از من : کس میازار به عشق و مهر دلها را نگهدار
چو بینی خسته ای ، درمانده ای را شتابان کن علاج و نیک کردار

عکس العمل آدمی عاید خود انسان می شود

چون دنیای وحدت است و همه به هم اتصال دارند و از هیچ کس و هیچ چیز نمی توان انفکاک داشت، لذا هر عمل خوبی که انسان انجام دهد یا هر کار زشتی از او سرزند، نتیجه اش عاید خود انسان می شود. علامت وحدت نیز که اشعه آن به داخل خود او تابیده و نه به خارج (زیرا خارجی وجود ندارد) و نموداری از عالم لایتناهی است، نشانی از این حقیقت می باشد. این امر برای یک تفکر کننده نکات عظیمی از حکمت را روشن می سازد. من در خودم هستم. تو در خودت، همه در خودشان و عالم هم در خودش و خدا نیز با همه همراه است. یا للعجب چه دنیای شگفت آوری که نه تنها بشر بلکه مافوق بشر هم نمی تواند حقیقت آن را درک کند. نوری که از کره ای ساطع می شود، کجا می رود؟ مگر نه آن است که بالاخره در همین عالم وحدت گردش می کند. نادانی و عدم درک حقیقت گریبانگیر همه موجودات هست و همه دچار مضیقه آن هستند. از میکروب گرفته تا بزرگترین موجودات. متنها مشیت یزدانی با تکامل نسبی سطح افکار بالا می رود و بشر ترقی می کند و حقایق را می فهمد.

شعار بزرگ

این نکته ذی قیمت را که از شعارهای بزرگ زندگی است، از من قبول کن: کسی را میازار. شاید در اثر تکرار یا مجسم نبودن ساحت بزرگ این نکته موضوع در نظرت کوچک جلوه کند، اما به عظمت آن بیندیش.

علت عمده گرفتاری

اغلب فشارها و گرفتاریهایی که در زندگی اشخاص پیدا می شود، در اثر آزار دیگران است. آزار تنها رنج بدنی دادن نیست. بردن مال دیگران، تجاوز به حقوق کسان، غیبت کردن، تهمت زدن، رنجاندن با سخنان نیش دار، آزار است. بنابراین مراقبت در آزار نکردن، در حکم اتخاذ یک دوره کامل دروس اخلاقی است.

باید مصمم بود

برای آزار نکردن همین خواندن این کلمه و گذشتن کافی نیست، باید تصمیم جدی و سخت گرفت و مراقب اجرای آن بود. چه بهتر که این کلام و این شعر را به خط درشت بنویسی و در محل کار و محل زندگی و کنار بستر خواب خود قرار دهی، تا دائم برای تو تلقین و یادآوری باشد تا آن زمان که کاملاً ملکه و ذهنی شود و به طور خودکار اثر کند.

راه اتخاذ صفت نیکو

پس به هر ترتیب صلاح می دانی، دائماً در نظر داشته باش که از آزار دیگران به هر صورت خودداری کنی ولو اینکه این آزار به نظر تو ناچیز و مختصر باشد.

کارهای بد نکنید

هرگاه در ضمن یک روز کار ناشایسته ای انجام داده باشید، مثلاً دروغ گفته باشید، باید این مطلب را در نظر بگیرید، حتی اگر احم کرده و بندگان یزدان را با حالت عبوسی و ترشرویی ناراحت کنید، نزد عدل یزدانی متخلف هستید. اگر کسی چنین اعمالی انجام داد، شب هنگام بایستی گزارش اعمال روز خود را نزد خویشتن مجسم کند و در نظر بگیرد که دیگر کار خلاف نکند و با انجام اعمال

نیک این کارهای زشت را جبران نماید. دروغ، خشم، ترشروی و انواع و اقسام کارهای زشت در اثر ارتکاب اعمال نیکو تا حدی جبران می شود.

روی عبوس

وقتی کسی عبوس باشد، هیچ کس میل نمی کند با او طرف صحبت شود و رابطه پیدا کند، مگر اینکه ناچار باشد. مخصوصاً در وحدت، عبوس بودن خلاف است، زیرا مانع اتحاد و محبت می گردد و کسانی که انتساب با وحدت پیدا می کنند باید از این حالت دوری جویند. هر کس می تواند در خود این حقیقت را بیازماید که با یک مصاحب خندان و خوشرو خیلی بهتر از یک نفر عبوس ترشروی، مایل به صحبت و مجالست است.

رفتار خشن و تند

اینک داستانی از پیغمبران بشنوید: حضرت موسی علیه السلام اخلاق بسیار تند داشت و خیلی غیور بود. به قدری تند بود که هیچ سلطانی نمی توانست در مقابل او مقاومت کند و امر الهی را با کمال شدت وحدت و قدرت بلکه تلخی ابلاغ می کرد. با آن همه زحمات که متحمل شد و آن همه قدرتی که داشت و آن همه محبوبیتی که از لحاظ اجرای امر نزد خداوند متعال داشته است، امروز تعداد پیروان آن حضرت اندکی بیش از نوزده میلیون نفر است. علت اساسی آن همانا اخلاق تند و سخت گیری آن حضرت بوده است.

رفتار محبت آمیز و فروتنی

برعکس حضرت عیسی علیه السلام منتهای مظلومیت و اخلاق و تواضع را نشان داد و روش او جز محبت نبود و با آنکه در زمان حیات، جز چند نفر پیرو پیدا نکرد، امروز بعد از دو هزار سال، هفتصد و اندی میلیون نفر پیرو دارد. این بزرگواران ظاهراً دنیا را ترک کرده اند، ولی آثار و عمل آنها به امر و مشیت یزدان در همین دنیا و در فضا باقی مانده است. این است امر و مشیت الهی در حالیکه دین موسی علیه السلام مقدمتر و بسیار محکم و ستوده بود، امروز پیروانش انقدر قلیل است، اما حضرت عیسی علیه السلام اصلاً وارد جنگ نشد و این همه پیرو دارد.

اثر محبت

این نیست مگر در اثر محبت و حسن خلق و صبر و مهربانی که آن حضرت مبدول داشت. این است نمونه و نتیجه اخلاق نیکو که همه افراد بشر باید از پیامبران پیروی کنند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز نمونه حسن خلق و مدارا و صبر بود و در مقابل جهال و نادانان، کمال بردباری را نشان می داد. همه این امور در فضای لایتناهی باقی است و ذره ای از آن از بین نمی رود و محو نخواهد شد.

خودآزاری

معذب کردن خود به وضعی افراطی بسیار بد است و دلیل ندارد. نباید حالت جسمانی خود را ناراحت ساخت. فکر و حالت جسمانی خود را ناراحت کردن، مسئولیت دارد. بایستی سلامت و راحت خود را نیز در نظر گرفت. خودآزاری حکم مردم آزاری را دارد. ناراحت کردن دیگران خلاف است، مگر اینکه فایده ای برای آنها داشته باشد که بیشتر استفاده ببرند، مثل ناراحتی هایی که طیب برای مداوا و تجویز دارو و زدن آمپول و انجام جراحی و سایر معالجات انجام می دهد، که هدف از همه آنها آسایش و سلامت بیمار است.

چرا خودآزاری بد است؟

از آنجا که بشر برای انجام وظیفه ای معین به دنیا آمده و جسم و جاننش متعلق به خود او نیست، بلکه وابسته به وحدت است، لذا بایستی همانطور که مراعات دیگران را می کند، حال خویش را هم در نظر گیرد و از لطمه زدن به خود اجتناب نماید. یکی از مضار مشروبات الکلی و تریاک و مخدرهای دیگر همین خودآزاری است. مثلاً الکل سر را به دوران می آورد، چند ساعتی احساس تفریح و بی خبری می کند، اما به معده و قلب صدمه می زند. حتی ضربان قلب را شدید می سازد و فشار خون را بالا می برد.

قمار و سایر مسکرات هم هر کدام به نحوی به انسان لطمه می زند. حتی سیگار که بسیار معمول است، چون به بدن انسان صدمه می زند، خودآزاری است و آن طور که دانشمندان طب یافته اند، موجب ایجاد سرطان حنجره و گلو و سایر معایب می گردد. پس از این که از فکر آزار کردن منصرف شدی، نباید به این جنبه منفی که یک وظیفه است، اکتفا نمایی بلکه پس از ارتقا به مقام انجام وظیفه باید پیش خود تمرین کنی و در صدد باشی که با محبت و عشق و مهر واقعی دلها را نگاه داری. باید دانست که تمرین و مراقبت و مداومت در ترک آزار و خودداری از آن در حکم همان توبه و استغفاری است که در دیانت گفته شده است.

معجزه مهر و محبت

از قدیم گفته اند که به وسیله مهر و محبت است که می توان افراد را بنده احسان خود کرد و راستی هیچ زنجیر و قیدی خوبتر از زنجیر احسان برای نگاهداری نوع نیست. اما آن کسی که چنین عشقی دارد، فکرش آن قدر ارتقا یافته که عمل محبت را به منظور معامله و مقابله به مثل انجام ندهد، بلکه آن را وظیفه ای برای خود می داند و اگر نتایجی از این امر عاید او می گردد، این عکس العمل طبیعی و فطری عمل است و چنین پاداشی او را نوش باد.

خدمت به یزدان و مخلوق او

فلسفه بزرگ حیات بشر، مخصوصاً کسانی که خدمت به خلق را به عهده می گیرند، کمک و یاری به مخلوق یزدان و برداشتن بار از دوش بارداران و رفع غم از گرفتاران و یاری به درماندگان است. پس اگر مرد این راه هستی، بایستی خود را برای خدمت به عالم بشریت و امر یزدان آماده و حاضر سازید.

فداکاری در راه سعادت هموعان

وحدت و مکتب آن فداکاری و از خود گذشتگی اخلاقی را با جان و دل قبول می کند و چنانچه لزومی در فداکاری باشد، باید تا آنجا که مقدر است سعی بلیغ در رفاه و آسایش هموعان و جامعه مبذول دارند تا به حد اعلائی سعادت معنوی نائل آیند. این روش هر فرد وحدتی است. وحدت با تقدیر و سرنوشت سازگار است و طبق قانون واحد خویشتن داری و از خود گذشتگی می کند و راه چاره زندگانی ضروری بشر را آسان و سهل ممتنع می سازد. چه آن که پذیرفتن سختیها را سعادت می داند و به همراهی خود با تقدیر دمسازی می کند تا تاریکی شب بر طرف و صبح درخشنده و نور آفتاب باز هم بر پیشانی تقدیر تابان گردد.

وظیفه بشریت

وظیفه یک انسان شرافتمند آن است که هرگاه خسته ای و درمانده ای را دید و مشاهده کرد که فردی از افراد بشر به نحوی از انحاء، دچار پریشان حالی و نگرانی است و احتیاج به کمک دارد، نایستی شانه ها را بالا اندازد و به عنوان اینکه به او مربوط نیست، آن را رها کند و برود. تصور نکند به او مربوط نیست. به او ربط دارد و سخت هم مربوط است، زیرا او خواهر یا برادر انسانی اوست و موظف به دلجویی و کمک به آن شخص می باشد.

دلجویی از افتادگان

لذا بایستی به محض دیدن بیچاره و درمانده خسته دلی، در صدد تفحص و کشف علت ناراحتی و نگرانی او برآید و پس از آنکه دانست، بر طبق سنت عمل نیکو که شعار خود انتخاب کرده با کمال شتاب قبل از فوت وقت و پیش از اینکه دیر شود، تا آنجا که قدرت دارد و برای او ممکن است، در صدد کمک و رفع نگرانی از آن شخص برآید و آن قدر بکوشد تا او را از غم برهاند.

اگر کمک نکنیم چه انتظار کمک داریم؟

آن زمان که فشار مصائب بر ما وارد می شود و از خداوند تقاضای کمک داریم و چشمان ملتمس خود را به انتظار ترحم و فیض و رحمت او دوخته ایم و خداوند هم به ما در حدود سرنوشتی که داریم کمک خواهد فرمود، بایستی این نکته را در نظر بگیریم که اگر ما جرثومه ها و ذراتی از وجود الطف یزدانی هستیم و او از رگ گردن به ما نزدیکتر است، لذا باید صفات خدایی را داشته باشیم و همان جنبه رحمت عالمگیر و فیض بخشی که در خداوند هست، ما هم بقدر ظرفیت و قدرت فکری که داریم، در خود پرورش دهیم و تمرین کنیم تا شایسته زندگی در عالم باشیم.

پرورش صفات الهی در خود

اگر چنین نشویم و خودمان به هم‌نوع کمک نکنیم و این صفات یزدانی را در خود پرورش ندهیم، چه انتظار ترحمی از خداوند و چه انتظار رحمی از هم‌نوعان داریم. از قدیم گفته اند: (ارحم ترحم) رحم کن تا رحم کرده شوی، رحمت کن تا انوار رحمت شامل حالت گردد. این نکته ای است صحیح و درست، که هر کسی در زندگی آزموده است که هر جا بالهای شفقت و رحمت خود را بر درمانده ای گسترده، در جای دیگر سایه این بال رحمت را بر روی خود احساس نموده است.

عمل خیر

در انجام عمل خیر بایستی مراتب را تشخیص داد و درست موشکافی نمود. مثلاً اگر جنسی از یک فروشنده کم در آمد می خرید و به او بیشتر از مبلغی که جنس به دیگران می فروشد پردازید، عمل خوبی نیست. مثل این است که لباسی را که ده تومان می ارزد، از فروشنده بیست تومان بخرید. علاوه بر آن که خوب نیست، بدعتی گذارده اید، زیرا دیگران هم ناچارند قیمت بیشتری بپردازند و آن شخص هم بد عادت می شود. دیگر آن که ممکن است مستحق نباشد و تشخیص آن مشکل است. کافی نیست که ظاهرش حکم کند. اگر خواستید کمکی کنید، می توانید به عنوان قرض الحسنه بدهید که بعداً مسترد ندارد، اینکه مقداری پول در جیب گذارید و چشم بسته به اشخاص دهید، عمل خیر حساب نمی شود.

تقویت روحی بسیار مهم است

کمک کردن به اشخاص، تنها به کمک مالی و تقویت بنیه مالی آنان نیست. تقویت روحی هم جزء یاری به شمار می رود و گاهی بالاتر و مهمتر از کمک مالی است. مخصوصاً کسانی که خود را شایق به کمک دیگران می بینند یا وظیفه ای در این قسمت برای خویش قائلند و بنیه مالی آنها اجازه کمک مادی به دیگران نمی دهد، لازم است که از اشخاص تقویت روحی کنند و این امر ثوابش بیشتر از پول دادن است و اثر آن کمتر نیست. تقویت روحی اگر درست انجام گیرد، به دنباله آن موفقیت خواهد بود و تردید ندارد.